

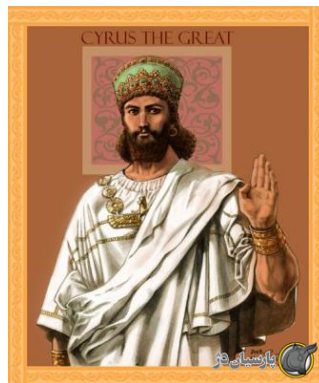


کورش بزرگ (کورش شناسی)

سخن پیامبر اسلام (ص) درباره ی شخصی به نام «ذوالقرنین»

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۲۸ بهمن ۱۳۹۱ / ۱۶ دقیقه مطالعه



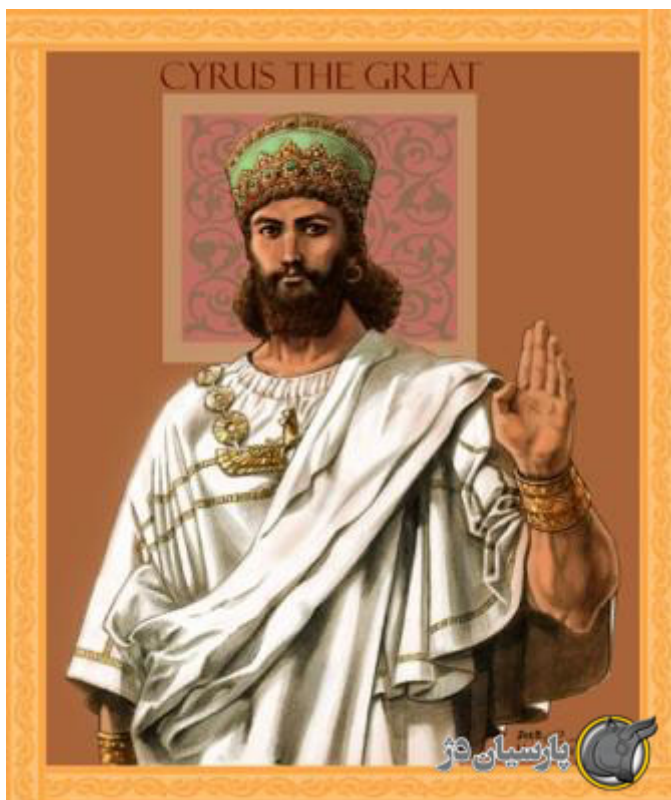
چکیده مقاله

بسم الله الرحمن الرحيمَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْقَرْنَيْنِ... در سوره ی «کهف»، آیه ی ۸۳ بیان می شود که از پیامبر اسلام (ص) درباره ی شخصی به نام «ذوالقرنین» پرسیده شد. "و از تو (ای پیامبر) سوال از ذوالقرنین می کنند، پاسخ ده که من به زودی حکایتی از او بر شما خواهم خواند." و این آیه مقدمه ای بود بر این که خداوند پاسخ را بدین گونه بدهد... در این تصویر دوشاخ بر سر مجسمه منسوب به کورش بخوبی نمایان است. همانطور که تصویر میبینید تصویر منسوب به کورش بزرگ دارای دو شاخ در بالای سر تصویر هست معنی ذوالقرنین

پارسیان دژ / کوروش بزرگ (کوروش شناسی)

بسم الله الرحمن الرحيمو يسئلونك عن ذي القرنين...

در سوره ی «کَهِف»، آیه ی 83 بیان می شود که از پیامبر اسلام (ص) درباره ی شخصی به نام «ذوالقرنین» پرسیده شد. "و از تو (ای پیامبر) سوال از ذوالقرنین می کنند، پاسخ ده که من به زودی حکایتی از او بر شما خواهم خواند." و این آیه مقدمه ای بود بر این که خداوند پاسخ را بدین گونه بدهد...





در این تصویر دوشاخ بر سر مجسمه منسوب به کوروش بخوبی نمایان است.

همانطور که تصویر میبینید تصویر منسوب به کوروش بزرگ دارای دو شاخ در بالای سر تصویر هست معنی ذوالقرنین یعنی دارنده دو شاخ

بسم الله الرحمن الرحيمو يسئلونك عن ذي القرنين.

در سوره ی «کهف»، آیه ی 83 بیان می شود که از پیامبر اسلام (ص) درباره ی شخصی به نام «ذوالقرنین» پرسیده شد:

"و از تو (ای پیامبر) سوال از ذوالقرنین می کنند، پاسخ ده که من به زودی حکایتی از او بر شما خواهم خواند." و این آیه مقدمه ای بود بر این که خداوند پاسخ را بدین گونه بدهد: "ما او را در زمین تمکن و قدرت بخشیدیم و از هر چیزی رشته ای به دست او دادیم.

او هم رشته ای را پی گرفت. تا هنگامی که در حرکت و سیر خود به مغرب رسید، خورشید را که در دریای محیط، غروب می کرد چنین یافت که در چشمه ی آب تیره ای پنهان می شود؛ و آنجا قومی را یافت که چون کافر بودند به ذوالقرنین دستور دادیم که درباره ی این قوم یا قهر و عذاب (در صورتی که ایمان نیاورند) و یا لطف و رحمت (اگر

ایمان آوردند) به جای آور. ذوالقرنین (خطاب به) آن قوم گفت: «ما هر کس از شما را که ظلم و ستم کرده به کیفر خواهیم رساند و سپس که (پس از مرگ) به سوی خداوند بازگردد، خدا او را به عذابی سخت کیفر خواهد داد. و اما هر کس به خداوند ایمان آورد و نیکوکار باشد، نیکوترین اجر را خواهد یافت و ما هم امر را بر او آسان می گیریم.»

و باز وسیله و رشته ای را پی گرفت (سفرش را ادامه داد). هنگامی که به مشرق زمین رسید، آنجا دید که خورشید بر قومی می تابد که میان آنها و آفتاب مانعی قرار نداده ایم. همچنین بود، و البته ما از احوال او کاملاً باخبر بودیم. باز وسیله و رشته ای را پی گرفت (و به سمت شمال سفر را ادامه داد). تا چون رسید میان دو سد (دو کوه)؛ آنجا قومی را یافت که سخنی فهم نمی کردند (و سخت وحشی و زبان نفهم بودند). آنان گفتند: «ای ذوالقرنین، قومی به نام یأجوج و مأجوج در این سرزمین و پشت این کوه فساد (و خونریزی و وحشیگری) بسیار می کنند؛ آیا چنانچه ما خرج آن را بر عهده گیریم، سدی میان ما و آنها می بندی؟»

ذوالقرنین گفت: «تمکن و ثروتی که خداوند به من عطا فرموده (از هزینه کردن شما) بهتر است؛ شما (فقط) با قدرت بازویتان به من کمک کنید (هزینه را خودم بر عهده خواهم گرفت) تا سدی محکم برای شما بسازم (که مانع دستبرد آنها شود). برایم قطعات آهن بیاورید.» (آنگاه دستور داد که زمین را هنگام رسیدن به آب بکنند و از عمق زمین تا مساوی دو کوه از سنگ و آهن دیواری بسازند). زمانی که میان آن دو کوه را برابر ساخت، گفت: «در آتش بدمید» تا هنگامی که آهن را به سان آتش گداخت، گفت: «برایم مس گداخته آورید تا بر آن فرو ریزم».

از آن پس آن قوم نه هرگز توانستند به بالای آن سد برسند و نه هرگز بر شکستن آن سد و رخنه در آن توانایی یافتند.

ذوالقرنین گفت که این لطف و رحمتی از خدای من است و آنگاه که وعده ی خدای من فرا رسد .

(که روز قیامت و یا روز ظهور منجی بشریت است) آن سد را متلاشی و هموار با زمین گرداند و البته وعده ی خدای من محقق و راست است. " اول از همه این که خیلی از منابع تفسیرهای بسیار زیادی در این باره نوشتند، . پیش ازگفتن هر چیزی لازم به ذکر است که بقایای این سد هنوز در خاک گرجستان باقی است و معنای نام محلی که این سد در آن قرار گرفته، به زبان پارسی برابر با "کوروش" است.

در ضمن معنای کلمه ی "ذوالقرنین" در پارسی "شخص صاحب دو شاخ" است. اما با توجه به این که در این آیات...ذوالقرنین فردی است که توانسته جهان را تحت حکومت خود در بیاورد. پس ذوالقرنین می تواند یکی از این افراد باشد: ۱- کوروش بزرگ؛ ۲- داریوش بزرگ؛ ۳- اسکندر مقدونی. البته عده ای می گویند که یکی از پادشاهان یمن هم باید جزو لیست احتمالات اشاره به ذوالقرنین باشد، چون اول نامش "ذو" دارد! اما هیچ جای تاریخ به جهانگشایی پادشاهان عرب در پیش از اسلام اشاره ای نشده! برگردیم به لیست...! با توجه به این که داریوش بزرگ هنگامی به پادشاهی رسیده که خیلی از نواحی جهان را از پادشاهان قبل از خود به ارث برده و فقط مصر و چند کشور را خود او تحت سلطه درآورده، پس او را از لیست خارج می کنیم. پس فقط کوروش و اسکندر ماندند.

در آیات داریم که ذوالقرنین به نیکی با مردم رفتار می کرد و نیکوکار بود. با توجه به منابع تاریخی خودمان که می

دانیم اسکندر آنچنان هم نیکوکردار نبود! از آتش زدن تخت جمشید گرفته تا ویرانی ها و قتل و غارت های گسترده اش در سراسر جهان. اما درباره ی کوروش بزرگ؛ بهتر است نگاهی به استوانه ی نگاشته شده توسط او، معروف به کتیبه یا منشور حقوق بشر کوروش نگاه کنید که در آن شرح فتح بی خونریزی سرزمین های بابل (Babylon)، سومر (Sumer) و اکد (Akkad) آمده است. به علاوه سدی که در گرجستان واقع شده، و بسیاری دیگر دلالت بر اشاره ی این آیات به کوروش بزرگ دارد. همان طور که اول مطلب گفتم، ذوالقرنین یعنی صاحب دوشاخ. پس بهتر است خودتان را خسته نکرده و تصاویر زیر را که تندیس در تصاویر چند سال پیش در پارسه پیدا شد و مربوط به کوروش است را ببینید. اگر خوب به این تصاویر نگاه کنید، بر روی سر کوروش بزرگ، چیزی شبیه به دو شاخ می بینید.

اگر به خاطر داشته باشید قبلا هم گفته ام که کوروش بزرگ نخستین پادشاهی بود که توانسته بود دو سرزمین پادشاهی پارس ها و ماد ها را با صلح پایدار متحد کند. خود کوروش هم از این موضوع باخبر بود، و برای این افتخارش دستور داده بود که از دو طرف تاجی که برای او می سازند، دو شاخ به نشانه ی افتخار متحد ساختن این دو سرزمین وجود داشته باشد. پس ذوالقرنین مورد اشاره در قرآن، همان کوروش بزرگ است. اما حالا از چه افتخاراتی دیگر درباره ی کوروش بزرگ باخبر شدیم؟! کوروش... نخستین کسی که سدی بزرگ ساخت، نخستین کسی که آلیاژ ساخت، و نخستین های دیگر. دوباره آیات را بخوانید!

تفسیر آیه های قرآن درباره ذوالقرنین

ذوالقرنین در آیات 83 تا 98 سوره کهف آمده است. از این آیات چنین بر می آید که:

1- این لقب را گروهی می شناسند و از پیامبر پرسش می کنند. همانطور که می دانیم یهودیان در مدینه بودند و در تورات از کوروش نوشته شده است و احتمالا یهودیان از پیامبر اکرم (ص) درباره عقاب شرق یا کوروش سوال کرده بودند.

2- خداوند کشوری را به کف با کفایت او سپرده و وسایل فرمانروایی را برای او فراهم ساخته است.

3- کارهای عمده او عبارت است از سه جنگ بزرگ، نخست در غرب تا آنجا که به حد مغرب رسیده است و آنجا را که خورشید غروب می کند به چشم دیده است (کوروش در ابتدا سرزمینهای ماد و لیدی و بابل را تصرف کرد)، دوم در جنگ مشرق تا آنجا رسیده است که دیگر جز صحرایی خشک و بدون آبادی ندیده است و ساکنین آن نیز بدوی بوده اند (با لشکر کشی کوروش به مکران و سیستان و حدود و حوالی بلخ و باکتربا انطباق دارد و ظن قوی این است که کوروش در این سفر، بلاد سند را هم فتح کرده است و ایرانیان سند را هند می نامیده اند و از این جهت در کتیبه داریوش، نام هند نیز در میان نامهای ممالک بیست و هشت گانه مفتوحه ذکر شده است). کار سوم که شاهکار اوست ساختن سد بر تنگه و دره ای سخت گذر بوده که از ورای آن تنگه، عده ای مرتبا به ساکنین این منطقه هجوم می آورده اند و آنان را غارت می کرده اند. ساکنین این منطقه قوم مزبور را یاجوج و ماجوج نامیده بودند که قومی

وحشی و بدون تربیت و فرهنگ بوده اند.

از آیات قرآنی چنین بر می آید که یاجوج و ماجوج دو قبیله وحشی و خونخوار جنگجو و غارتگر بوده اند و در دوردست ترین نقاط شمال آسیا زندگی می کردند. بر پایه دگرگونی واژگان و دگرگیزی زبان می توان گمان برد که یاجوج و ماجوج همان مغولیان بوده اند، چون این دو کلمه به زبان چینی منگوک و یا منچوک است، و معلوم می شود که دو کلمه مذکور به زبان عبرانی نقل شده و یاجوج و ماجوج خوانده شده است، و در ترجمه هائی که به زبان یونانی برای این دو کلمه کرده اند گوک و ماگوک می شود، و شباهت تامی که میان ماگوک و منگوک هست حکم می کند بر اینکه کلمه مزبور همان منگوک چینی است همچنان که منگول و مغول نیز از آن مشتق و نظائر این تطورات در الفاظ آنقدر هست که نمی توان شمرد. پس یاجوج و ماجوج مغول هستند و مغول امتی است که در شمال شرقی آسیا زندگی می کنند، و در اعصار قدیم امت بزرگی بودند که مدتی به طرف چین حمله ور می شدند و مدتی از طریق داریال قفقاز به سرزمین ارمنستان و شمال ایران و دیگر نواحی یورش می بردند، ولی پس از آنکه سد ساخته شد به سمت شمال اروپا حمله می بردند. اروپائیان آنها را سیت می گفتند.

می دانیم که کوروش نخستین کسی است که سد ساخته است و از آهن به نحو انبوه استفاده کرده است و این سد در تنگه داریال در گرجستان امروزی قرار دارد. در آثار باستانی ارامنه این دیوار « بهاگ کورایی » به معنی « تنگه کوروش » نامیده می شود.

سد یاد شده نه تنها از سنگ و آجر بوده بلکه از آهن و پولاد نیز در آن به کار رفته است و چنان عظیم و سدید بود که از هجوم غارت کنندگان جلوگیری کامل می نمود.

در قرآن آمده است که ذوالقرنین سپس چنین دستور داد: قطعات بزرگ آهن برای من بیاورید. هنگامی که قطعات آهن آماده شد، دستور چیدن آنها را به روی یکدیگر صادر کرد تا کاملاً میان دو کوه را پوشاند. صدف در اینجا به معنی کناره کوه است و از این تعبیر روشن می شود که میان دو کناره کوه، شکافی بوده که یاجوج و ماجوج از آن وارد می شدند، ذوالقرنین تصمیم داشت آن را پر کند. از این رو به آنها گفت مواد آتشنا (هیزم و مانند آن) بیاورید و آنرا در دو طرف این سد قرار دهید، و با وسائلی که در اختیار دارید در آن آتش بدمید تا قطعات آهن را، سرخ و گداخته کرد. در حقیقت او می خواست از این راه قطعات آهن را به یکدیگر پیوند دهد و سدی یکپارچه ای بسازد، و با این طرح عجیب، همان کاری را که امروز بوسیله جوشکاری انجام می دهند انجام داد، یعنی به قدری حرارت به آهنها داده شد که کمی نرم شدند و به هم جوش خوردند. سرانجام آخرین دستور را چنین صادر کرد گفت: مس ذوب شده برای من بیاورید تا بروی این سد بریزم و به این ترتیب مجموعه آن سد آهنین را با لایه ای از مس پوشانید و آن را از نفوذ هوا و پوسیدن حفظ کرد.

4- پادشاهی عادل و رعیت نواز بوده و از خونریزی جلوگیری کرده و قوم مغلوب را آزار و کشتار نمی نموده است. وقتی که به قوم مغرب استیلا پیدا کرد مغلوبان گمان کردند که مثل سایر فاتحان مورد شکنجه و بیداد قرار خواهند گرفت. اما پادشاه چنین نکرد و گفت که نیکوکاران و رجال قوم از آسیب محفوظ خواهند بود و او کوشش خواهد

کرد.

که به داد و دهش قلوب آنان را تسخیر کند. می دانیم که کوروش پس از استیلا بر ماد و لیدی و بابل و دیگر جاها نه تنها به مردمان مختلف کاری نداشت بلکه حتا به دین و آیین آنها هم احترام می گذاشت و با اینکه یکتاپرست و زرتشتی بود خدایان دیگر جاها از جمله مردوک خدای بابل را گرمی میداشت.

5- ذوالقرنین به مال و اندوخته ی دنیایی نیاز نداشت و حریص نبود و حتی زمانی که ستم دیدگان خواستند برای ساخت سد پولی فراهم و جمع کنند، از گرفتن آن ابا کرد و گفت خداوند مرا از مال و اندوخته شما بی نیاز ساخته است، فقط به نیروی بازوی خویش مرا همراهی کنید تا سدی آهنین در برابر دشمن بنا کنیم. کوروش در همه جا از خود سخاوت نشان داد. به طور مثال از خزانه ی ایران هزینه ی دستور ساختن معبد اورشلیم برای یهودیان را داد و معبدهایی که نبوکدنصر خراب کرده بود دوباره آباد ساخت.

دلیل دیگری که می شود به آن استناد کرد عقیده ی قوم یهود است. کتابهای دینی یهود تصریح می کند که کوروش فرستاده خداوند و مسیح اوست که برای دادگستری و فراهم آوردن خشنودی خود، او را برگزیده است. همه می دانیم که یهودیان در تاریخ خود به ندرت از فردی غیر یهود تعریف کرده اند پس اگر کوروش یکتاپرست و دادگستر نبود هیچوقت از ایشان تعریف نمی کردند.

برخی با غرض یا به اشتباه اسکندر گجستک را ذوالقرنین می دانند لیکن این معنی با لسان قرآن سازش ندارد. چون نخست قرآن میگوید ذوالقرنین مؤمن به خدا و روز قیامت بوده است و دین او دین توحید بوده است؛ ولی ما می دانیم که اسکندر مشرک بوده همچنان که قربانی کردنش برای سیاره مشتری خود شاهد آن است و یونانیان و مقدونیان ایزدان بسیاری داشتند که در تاریخ ثبت است

دوم قرآن ذوالقرنین را مرد صالح از عباد خدا و صاحب عدل و داد می شمارد که تاریخ برای اسکندر خلاف آن را بیان میکند. اسکندر سفاک و عیاش بوده است (چنانچه در ماجرای آتش زدن تخت جمشید معروف است.) و سوم اینکه در هیچیک از تواریخ نیامده است که اسکندر مقدونی سد یا جوج و مأجوج را بنا کرده باشد. چهارم مسیر لشکرکشی اسکندر از غرب به شرق بوده است و حال آنکه به تصریح قرآن شروع لشکر کشی ذوالقرنین به سمت غرب بوده است. ضمنا یادی از اسکندر مقدونی در عهد عتیق نیست. گروهی از پژوهشگران دلیل این را که مفسران نخستین اسکندر را ذوالقرنین نامیده اند ناشی از ناآگاهی آنان از تاریخ باستان ایران و وجود شخصیتی اشکانی به نام اسکندر در برابر الکساندر مقدونی می دانند که خوش رفتاری های فرد اخیر به حساب جهانگیر مقدونی نهاده شده است.

این موضوع می تواند مورد پژوهشی دقیق قرار گیرد. در پایان، سخنی که می توان بیان کرد دوتا از فروغ دین ما یعنی تولی و تبری است که یعنی دوست داشتن دوستان خدا و دشمن داشتن دشمنان خدا. چون کوروش بزرگ دوست خدا و فردی بود که احکام الهی را در زمین جاری می کرد باید مورد احترام همگی ما باشد و مقامش را گرمی داریم. کوروش بزرگ نماد ملیت و هویتمان و هم نماد فردی نیک اندیش از نظر کتابهای آسمانی مانند تورات و قرآن

است و هم نماد انسانی یکتاپرست و دادگستر در سراسر گیتی. مهرش افزون باد و ایرانش همیشه جاوید.



نظر و دیدگاه مورخین سده‌های اسلامی- موافق بر ذوالقرنین بودن کورش بزرگ

ابوالفرج بن عبری در مختصر الدول: کورُش، ابوریحان در آثار الباقیه بنا بر مدارک غربی نیز او را کورُش می‌نامد. مسعودی در مروج الذهب وی را کورُش، ابو جعفر محمد بن جریر طبری در تاریخ الرسل و الملوک او را کیُرُش می‌نامد و لقب سپهبد بابل را به وی می‌دهد. ابن اثیر در تاریخ کامل خود وی را کیُرُش و حمزُه اصفهانی در تاریخ سنن ملوک الارض و الانبیاء وی را کوروش می‌نامد و در ادامه بیان می‌دارد که: کی اردشیر را همان می‌دانند که یهودیان گویند بهمن است و در اخبار آنان به کوروش تعبیر شده و ما می‌دانیم که حروف «واو» در برخی از گویش‌های مناطق ایران نیز (همچو لهجه‌های جنوبی) گاهی به یاء دگرگون می‌شود، چنانکه خون را خین و دور را دیر گویند، و به همین دلیل کوروش نیز در نوشته‌های کهن (کی رش، کی ارش) نگاشته شده که گونه‌های درست آن است...

پس از فتح بابل توسط ایشان (بیت المقدس) خانه خدائی را که توسط ابراهیم و پسرش بنیان گذاشته و سپس

توسط سلیمان پسر داود ساخته شده بود توسط بخت النصر تخریب گردیده بود بدستور کوروش دستور بازسازی آن شروع و در زمان داریوش به بیان رسید.

عزرا باب ۶ آیات ۱۴ و ۱۵

۱۴- و مشایخ یهود به بنامودن مشغول شدند و برحسب نبوت حجی نبی و زکریا با این عدو کار را پیش بردند برحسب حکم خدای اسرائیل و فرمان کوروش و داریوش و ارتحشیستا پادشاهان فارس آن را بنا نموده به انجام رسانیدند.

۱۵- و این خانه در روز سوم ماه آذار در سال ششم داریوش پادشاه تمام شد.

منابع برای عوامی که دسترسی به منابع بالا ندارند

تفسیر المیزان، علامه طباطبائی، تفسیر سوره کهف، آیه های ۸۳ تا ۹۷، جلد ۱۳

تفسیر نمونه، مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، رویه (صفحه) های ۳۳۸ و ۵۳۲ و ۵۵۱ و ۵۵۲، جلد ۱۲

کوروش بزرگ (ذوالقرنین)، ابوالکلام آزاد، ترجمه ی محمد ابراهیم باستانی پاریزی

ابوالکلام آزاد، دانشمند شهیر هندی و وزیر فرهنگ دولت نهم این نگاره را ذوالقرنین خوانده و بر پایه آن، کوروش را همان ذوالقرنین یاد شده در قرآن دانسته است.

در تورات در «سفر دانیال» (8-1) از بیچارگی و رهایی و پیشگویی در نجات یافتن یهودیان به وسیله قوچ (تشبیه به کلاه کوروش)، به ذوالقرنین اشاره شده است. این موضوع در «سفر یشعاه و سفر یرمیا» هم آمده است. او در رویای دانیال پیغمبر به صورت قوچی که دارای دو شاخ است، درمی آید. شخصیت کوروش در عقاید یهود دارای مکان و منزلت مهمی است.

قرن (هم در عربی و هم در عبری) معنای شاخ و هم گیسو را می دهد که در واقع کوروش کلاهی بر سرش بوده مانند سرو، همانطور که در نگاره می بینیم. نگاره مزبور درباره لقب کوروش کمک شایانی به ما می کند که همانا ذوالقرنین است. دو بال نگاره هم گویای همان تصویری است که در سفر یشعاه (عقاب شرق) بیان شده بود. با توجه به اینکه نام کوروش در کتیبه مفقود شده بالای آن ذکر گردیده گرایش بیشتر وجود داشته که همان «ذوالقرنین» یعنی دارنده دو شاخ موجود در قرآن است. در کتاب عزرا (3-1 و 1) گفته شده که تمام اسیرانی که بوسیله نبوکد نصر گرفتار شده بودند به سرزمین خود اورشلیم بازگشته و معبد خود را از نو بنا کردند و در جای دیگر کوروش را به عقاب شرق تشبیه کرده است: «من عقاب شرق را فراخواندم. من این مرد را که از سرزمین دور می آید و خشنودی مرا فراهم می کند فراخوانده ام» (11:46). خلاصه از نص اسفار یهود چنین بر می آید که تصویر کوروش، همان ذوالقرنین است.

با سپاس از آقای محسن قاسمی شاد

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «سخن پیامبر اسلام (ص) درباره ی شخصی به نام «ذوالقرنین»»، پارسیان دژ، ۱۳۹۱.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<http://parsiandej.ir/articles/1034/pdf/سخن-پیامبر-اسلام-ص-درباره-ی-شخصی-به-نام-ذوالقرنین.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵